



University of Tehran Press

New Horizons in Contemporary Philosophy of Religion

Editor's Note

The growing diversity in philosophical inquiries regarding religion signals a paradigm shift in the philosophy of religion. While some Western scholars, such as Nicklaas (in *The End of the Philosophy of Religion*), have suggested the demise of the field—specifically targeting analytical approaches—moving beyond the analytical paradigm reveals expansive avenues for philosophical reflection on religious doctrines.

In this context, Islamic Philosophy of Religion has emerged as a significant revitalizing force within the Iranian philosophical landscape, fostering dedicated research and discourse. The *Journal of Philosophy of Religion* welcomes scholarly contributions that advance this field. As the editor of this inaugural issue, I am honored to present these articles, which I consider a vanguard for new horizons in contemporary philosophy of religion.

The first article examines Richard Rorty's neo-pragmatist perspective on the institution of religion. It critiques Rorty's attempt to reconstruct religion through personal experience while disregarding its metaphysical dimensions. The second article offers a novel resolution to the problem of human free will in the face of divine omniscience. By applying the theory of relativity, it argues that this perennial dilemma stems from a flawed understanding of time as an absolute entity; treating time as relative provides a viable solution.

The third article investigates the impact of Artificial Intelligence (AI) on religious epistemology, specifically its challenge to "knowledge by presence" (*al-ilm al-ḥuḍūrī*) and faith. The fourth article explores theodicy through the lens of AI, suggesting that just as AI can act as a mirror reflecting human desires, it may also serve as a medium for the knowledge of God.

The fifth article critically analyzes the meaning of life from the perspectives of Jean-Paul Sartre (Continental philosophy) and Thomas Nagel (Analytical philosophy). It identifies a shared flaw: the ambiguity and lack of objectivity in their respective solutions to nihilism. Finally, the sixth article addresses the problem of evil by re-examining specific terminology. It suggests that by reconsidering the distinct meanings of "good" and "evil" within a divine lexicon, new logical and circumstantial solutions to the problem of evil may be found.

As these articles demonstrate, the philosophy of religion is not merely limited to questioning religious tenets. It encompasses the interaction between religious components and modern human achievements—such as scientific advancements, technological developments like AI, the role of religious institutions in modern societies, and the search for meaning. In my view, these new horizons must become central priorities in the contemporary philosophical agenda.

Editor
Summer 2026



افق‌های جدید در فلسفه دین معاصر

یادداشت سردبیر

تنوع در پژوهش‌های فلسفی در باب دین نشانگر نگرش نوین به فلسفه دین است. اگر برخی از نویسندگان و پژوهشگران غرب در فلسفه دین، همچون نیک تراکاکیس (در کتاب پایان فلسفه دین) از به پایان رسیدن فلسفه دین سخن گفته‌اند به فلسفه دین تحلیلی نظر داشته‌اند اما وقتی از دایره نگرش تحلیلی به درآییم مجال‌های موسعی برای تأمل فلسفی در باب دین و آموزه‌های آن خواهیم یافت. در این میان فلسفه دین اسلامی، به عنوان نمونه‌ای از نگرش‌های احیا شده جدید، مدتی است که در ادبیات فلسفی ایران راه پیدا کرده و نشست‌ها و تحقیقاتی را به خود اختصاص داده است؛ در این راستا مجله فلسفه دین نیز از مقالات محققان در این زمینه استقبال می‌کند.

نگارنده افتخار دارد که مقالات این شماره از مجله را به عنوان نخستین شماره تحت مسولیت خود، با نظری کوتاه به محتوای آنها برای مخاطبان فرهیخته معرفی کرده و آن را طلیعه نگاه به افق‌های جدید در فلسفه دین معاصر تلقی نماید. در مقاله نخست دیدگاه ریچارد رورتی، فیلسوف نوپراگماتیست معاصر آمریکایی، در باب نهاد دین مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. بازسازی دین با حیث تجربه شخصی و نادیده گرفتن جنبه متافیزیکی دین ایراد مهمی است که مقاله آن را متوجه دیدگاه رورتی می‌داند و به نقد آن می‌پردازد. مقاله دوم منظر نوینی در حل مساله اختیار انسان و علم پیشین و خطاناپذیر الهی را پیش می‌کشد و با نگاهی به نظریه نسبیت زمان درصدد است تا بگوید این مساله دیرپا در همه سنت‌های فلسفی ناشی از فهم ناقص و مطلق گونه زمان بوده و اگر زمان رانسبی بدانییم، مساله مذکور قابل حل است.

در مقاله سوم ضمن بررسی اثر هوش مصنوعی بر معرفت دینی چالش آن با علم حضوری و از آنجا با ایمان مورد بحث واقع شده است. در مقاله چهارم مساله خدانشناسی با نظر به ظرفیت هوش مصنوعی مورد بحث قرار گرفته و از جمله این موضوع مطرح شده که همانطور که هوش مصنوعی می‌تواند بازتاب خواسته‌های انسان باشد و بمتاباه آینه او را به خودش نشان دهد، برای شناساندن خدا و معرفت به او هم می‌تواند نقشی داشته باشد.

در مقاله پنجم معنای زندگی از دیدگاه سارتر، فیلسوف قاره‌ای و نیگل، فیلسوف تحلیلی مورد بحث و نقد است. نقد مشترکی که بر هر دو دیدگاه وارد است ابهام در مبانی و عینی نبودن راه حلی است که هر دو فیلسوف برای نجات از پوچ‌گرایی در زندگی ارائه داده‌اند. و مقاله ششم درباره مساله شر است با نظر به تعمق در برخی از اصطلاحات خاص در مساله، مانند خیر و شر و تفاوت مبنایی آنها در مورد انسان و خدا، به این معنا که با نظر به معنای خاص خیر و شر در قاموس الهی، چه بسا بتوان راه حل جدیدی برای مساله منطقی و قرینه‌ای شر یافت.

چنان که از نگاه به این دست از مقالات مشخص است، پرداختن به فلسفه دین محدود به پرسشگری در باب دین نیست بلکه تعامل مولفه‌های دین و آموزه‌های آن با دستاوردهای نوین فکر بشر، همچون دیدگاه‌های علمی جدید و آثار تکنولوژی مانند هوش مصنوعی، سنجش جایگاه نهاد دین در جوامع مدرن، و معنا بخشی به زندگی هم می‌تواند مورد مطالعه و پژوهش فلسفه دین باشد. به نظر نگارنده این افق‌های جدید و منظرهای نو در فلسفه دین بایستی به فهرست اولویت‌های فلسفه دین افزوده شده و در دستور کار فلسفه‌ورزی معاصر قرار گیرد.

سردبیر

سیدمحمدعلی دیباجی

تابستان ۱۴۰۵